



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله



آسیب شناسی تعلیم و تربیت اسلامی با تکیه بر نگاه شهید بهشتی

مسعود حسین چاری^{*}، انسیه فلاح زاده

^{*} دکترای روانشناسی تربیتی، عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز، میدان ارم، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز، میدان ارم، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

nc_1014@yahoo.com

چکیده

مقاله حاضر کوششی است در خصوص بیان اهمیت و ضرورت تربیت دینی و آسیب شناسی آن از با تکیه بر نظر آیت الله شهید بهشتی به عنوان شخصیتی که در دو نهاد روحانیت و آموزش و پرورش خدمت کرده و خود تربیت یافته مکتب اسلام است. در تعریف تربیت دینی آمده است: "تربیت دینی یعنی رسیدن به تزکیه، فلاح و رستگاری". بی شک پرداختن به بحث تربیت دینی و آسیب شناسی آن ضروری است، زیرا تربیت دینی از آثار و فواید متعددی برخوردار است و در جامعه امروزی، جوانان و نوجوانان را از افتادن در پرتگاه ها و کمینگاه ها مصون می دارد. بدیهی است تربیت دینی بدون مرتفع کردن آفات و آسیب های موجود مقدور نخواهد بود. در این نوشتار آسیب های تربیت دینی، از منظر شهید بهشتی در ابعاد و حوزه های گوناگون از جمله زمینه ها و محیط، منابع، محتوا، مربیان و روش ها، بررسی شده و هر یک از این حوزه ها به طور جزئی تر مورد تحلیل قرار گرفته اند. برای رسیدن به تربیت دینی به همان میزان که برنامه ریزی لازم و ضروری است، آسیب شناسی و رفع موانع نیز ضرورت دارد و با وجود موانع نمی توان به هدف تربیت دینی فراگیران رسید. مقاله حاضر کوششی است در جهت پاسخگویی به این سئوالات: ۱- تربیت دینی چیست؟ ۲- موانع و آفات تربیت دینی کدامند؟ ۳- نقش و سهم عوامل مؤثر یا بازدارنده تعلیم و تربیت دینی کدام است؟ در تهیه مقاله از روش مطالعه کتابخانه ای با جامعه آماری ۱۶ کتاب و مقاله استفاده شده و ساختار مقاله نیز بدین شکل است که اولاً به بیان اهمیت تربیت دینی پرداخته و سپس ضمن آسیب شناسی آن در حیطه های گوناگون، مطالب، جمع بندی و ارائه شده اند.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، شهید بهشتی (ره)، عصر حاضر، آسیب شناسی تربیت دینی، حوزه های تربیت دینی



مقدمه

یکی از اساسی ترین مباحث مورد نظر در تعلیم اسلامی، برنامه ریزی برای شکوفایی و پرورش افراد و تربیت دینی است. در جهان امروز، رفتار انسانی در قالب مهندسی ژنتیک شکل می گیرد و زندگی اخلاقی بشر در اثر تزلزل مبانی مقدسات مورد تهدید قرار گرفته است و انسانها با بحران های گوناگون درونی و بیرونی مواجه می شوند که از مهمترین بحران ها، بحران تربیت دینی است و تنها راه فرار از این بحران ها بازگشت به اسلام و قرآن است که سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین می کند (کریمی، ۱۳۷۴: ۱۷). انسان همواره در جستجوی چیزی ماورای خود بوده تا با تکیه بر آن به امنیت و اعتماد پایدار دست یابد. برای انسان همیشه این پرسش مطرح بوده است که چگونه می تواند به زندگی خویش معنا بخشد و این معناجویی و معناخواهی یکی از نیازهای بنیادی انسان است که چنانچه بدرستی هدایت شود به دین باوری و خدا پرستی می انجامد. امروزه روانشناسان معنا گرا در حوزه ی روان درمانی همان چیزهایی را در بهبود بیماری ها و اختلالات عاطفی و روانی انسان توصیه می کنند که احادیث و روایات دینی به شکل عمیق تر و جامع تر بروی آن تأکید دارند. اگر زندگی آدمی در قلمرو «معنویت پویا» و «معناگرایی متعالی» در مدار دین ورزی و خداپرستی جریان یابد شادی و نشاط باطنی که همان سعادت واقعی است نصیب انسان می شود و در این باره روان پزشکان بزرگی چون یونگ و ویلیام جیز و اریک اریکسون مذهب و کنش وری تعالی بخش آن را داروی شفا بخش روح و روان انسان می دانند و آرامش و اطمینانی که از طریق ایمان به خدا حاصل می شود به گونه ای است که هیچ عامل بیرونی توان از هم پاشیدن آن را ندارد (کریمی، ۱۳۷۴: ۲۲). در نتیجه هدف تربیت دینی، هدایت متری به حرکت به سوی خداست که موجب فلاح و رستگاری می شود و برای تحقق تربیت دینی ضروری است بیش از همه به بررسی آسیب ها و موانع تحقق این امر مهم پرداخت چرا که شناسایی و رفع این موانع باعث سهولت در اجرای امر تعلیم و تربیت می شود. در این مقاله با تکیه بر نظر شهید بهشتی (ره) به بررسی آسیب شناسی تربیت دینی پرداخته می شود، شهید بهشتی از نظر مبانی نظری تعلیم و تربیت، توجه به روش ها و رویکردهای درست و دقیق تألیف دینی و همچنین در عرصه تجربه کار تربیتی و حضور در مدرسه، مدیریت و تدریس سرآمد بودند و با این که سخنان ایشان به چهار دهه گذشته برمی گردد اما همچنان نکات ظریف این دیدگاه الهام بخش و کمک کننده برای اجرای تربیت دینی است.

تعریف تربیت دینی

برای رسیدن به تعریفی کامل از تربیت دینی بهتر است ابتدا به تعریف تربیت بپردازیم و بعد از آن دین را تعریف کنیم. در تعریف تربیت می گوئیم: « تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعداد های انسان در جهت مطلوب »

در تعریف دین نیز می گوئیم: « مجموعه تعلیم و دستورات نشأت گرفته از خدا که از طریق وحی به پیامبرش ابلاغ شده تا به گوش مردم برساند و آنها را وادار به رعایت و عمل کند. بر اساس باور ما، تعلیم و دستورات الهی از یک سو نظام حیات فردی و اجتماعی ما را در دنیا سر و سامان می دهند و از سوی دیگر تأمین کننده سعادت ما در دو جهان هستند. » (شکوهی یکتا، ۱۳۷۳: ۷).



تربیت دینی یعنی شکوفائی استعدادهای انسان در جهت مطلوب که نشأت گرفته از دستورات خدا، پیغمبر و ائمه و هدف آن به کمال رساندن و سعادت بشر و تغییر رفتارها بر این اساس، ملاک و معیار است (قائمی، ۱۳۷۴: ۱۳).

آسیب های تربیت دینی در زمینه ها و محیط خانواده

الف) بی توجهی به نیازها

نخستین منبع درونی تربیت که گنجینه ی همه معارف و فضائل بالقوه محسوب می شود فطرت است در واقع، قانون تربیت و ذخایر عظیم دیانت و معنویت در جوهره ی آدمی به ودیعه نهاده شده است و فقط کافی است که موانع بازدارنده رفع شود و عوامل رشد دهنده مهیا گردد که اولین عامل رشد دهنده خانواده است که باید زمینه ی رشد فرزند را فراهم کند و درصدد رفع نیازهای فرزند برآید تا بتواند به شکوفایی و رشد برسد. از دیدگاه مازلو اولین نیاز انسان، نیازهای جسمی است که زمینه را برای رشد فرد در زمینه هایی دیگر از جمله خودشکوفایی فراهم می کند (کریمی، ۱۳۸۴: ۳۱).

از نظر شهید بهشتی، بی توجهی به نیازهای جسمی، ناشی از فقر فرهنگی و اقتصادی است که باعث ایجاد آسیب های زیادی در رشد تربیت فرزند می شود: « خانواده ای که از نظر اقتصادی با درآمد کم، از نظر وقت و فراغت پدر و مادر با فراغت و وقت کم و محدود، از نظر امکانات تأمین حداقل خوراک و پوشاک و فرهنگ و بهداشت برای بچه ها، کم بضاعت باشد در چنین خانواده ای فرزندان دچار آسیب های گوناگون، آسیب های جسمی که در روح مؤثر است و آسیب های روانی و اخلاقی و تربیتی می شوند» (بهشتی، ۱۳۷۹: ۱۶).

ب) بی توجهی به نقش الگویی خود

خانواده به منزله اولین منبع بیرونی تربیت دینی که آداب و رفتار دینی را به شکل خودآگاه و ناخودآگاه به کودکان منتقل می کند و با توجه به نقش الگویی خود می تواند نقش تعیین کننده در نگرش مثبت و یا منفی فرزندان به مذهب داشته باشند.

اگر کودک در خانواده ای رشد یابد که به دین و احکام عملی آن مؤمنانه و عاشقانه اهتمام ورزند و به آموزه های آن از روی اخلاص و صداقت گردن نهند آنگاه فرزندان نیز به ارزشهای دینی و احکام آن احترام می گذارند (کریمی، ۱۳۸۴: ۳۵). در حقیقت این ساختار تربیتی خانواده است که از همان ابتدا ساختار اعتقادی فرزند را شکل می دهد، اعتقاد قلبی خانواده به ویژه پدر و مادر به احکام دینی و در رأس آن نماز و چگونگی برپایی آن از نظر انگیزه، ایمان درونی، حرمت و ارزش گذاری و خلوص و یکپارچگی رفتار می تواند فرزند را به نماز پایدار کند و بالعکس بی توجهی به نماز و احکام دینی آسیب هایی را در زمینه رشد تربیتی فرزند به دنبال دارد (همان، ص ۳۶).

از نظر شهید بهشتی، بسیاری از ضعف های تربیتی که در بزرگسالان دیده می شود، حاصل تربیت های ناخواسته والدین بوده است. برای مثال، از علل عمده ای که بچه ها تارک الصلوة می شوند، یا به نماز اهمیت نمی دهند، این است که پدرشان با نماز چنین برخورد کرده است (بهشتی، ۱۳۷۹: ۹۴).

۱- دوستان و همسالان

انسان در قرآن، صرفاً به عنوان بریده و مجزا توصیف نشده است، بلکه به رابطه ی او با جمع نیز توصیه شده است و به آن همچون وجهی از انسان نگریسته شده است (باقری، ۱۳۸۴: ۱۵).



در این میان دوستان و همسالان تأثیر زیادی بر رشد شخصیت و رفتار افراد به عنوان دومین کانون رشد بعد از خانواده دارند و در شکل‌گیری هویت نقش زیادی دارند.

از نظر شهید بهشتی، اگر خانواده برای فرزندان هم بازی و رفیقی متناسب با معیارهای تعلیم و تربیت اسلامی تأمین نکند، سراغ دوستان فاسد می‌روند و تلاش خانواده در تربیت آنها خنثی یا کم اثر می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۱: ب: ۱۴۰).

۲- رسانه‌ها

رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های جمعی و بصری، در رشد شخصیت افراد جامعه نقش زیادی دارند و با استفاده از ابزارهای هنری بر شناخت و نگرش افراد اثر می‌گذارند. مربیان فکری و فرهنگی باید با توجه به میزان اثر گذاری این رسانه‌ها از آنها بهره بگیرند (بهشتی، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

«دو هانیو در ۱۹۹۵، معتقد است معلمان اخلاق و مدرسان علوم دینی، نیازمند انطباق خود با جهان رو به پیشرفت علوم هستند و از نظر نوآوری آموزش نسبت به سایر همکاران خود به آموزش‌های به روزتر نیاز دارند».

رسانه‌ها با توجه به میزان اثر گذاریشان باید بتوانند هماهنگ با تعالیم تربیت دینی باشند در غیر این صورت آسیب‌زا هستند شهید بهشتی می‌گوید: «هر قدر به گوش دانش آموز بخوانیم، او یک خبر در روزنامه می‌خواند، یک تصویر در روزنامه می‌بیند، یک گزارش در تلویزیون می‌بیند، یک فیلم در فلان جا می‌بیند، از زندگی دیگران و وضع دیگران و شکل کار دیگران مطلع می‌شود و دلش در خانه ی دیگران است» (همان، ص ۳۸).

۳- محیط و عوامل اجتماعی

انسان از شرایط مختلف محیطی اعم از شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. بر این اساس ریشه‌ی برخی از افکار، نیت و رفتارهای آدمی را باید در شرایط محیطی او جستجو کرد، به عبارت دیگر، انسان هم از حیث ظاهر و هم باطن خویش تحت تأثیر شرایط قرار دارد. در این حال برای زدودن پاره‌ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان باید به دستکاری شرایط محیطی او برخاست (باقری، ۱۳۶۸: ۹۹).

تأثیرپذیری انسان از شرایط به معنی اضطراب او در برابر آن نیست، بلکه این امکان نیز در وی هست که در قبال فشار شرایط رسیدگی کند و رنگ نپذیرد و یا در حدی فراتر، بر شرایط تأثیر بگذارد (همان، ص ۳۹).

از همین رو، شهید بهشتی اثر گذاری عوامل اجتماعی و اثر پذیری انسان از آنها را محدود می‌داند: «هیچ انسانی محکوم هیچ جبر اجتماعی نیست، ولی کیفیت و روابط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی روی انتخاب آگاهانه‌ی انسان اثر می‌گذارد اما نه در حد جبر، بلکه در حد اینکه انتخاب او را آسان تر یا دشوارتر، رفتن او را به این سو یا آن سو، آسان تر یا دشوارتر کند» (بهشتی، ۱۳۸۱: الف: ۴۴).

۴- حکومت

حکومت در اسلام ساده و بی‌پیرایه است، در حکومت‌های دیگر، انگیزه‌ی مردم بر اطاعت از قوانین و مقررات و دستورهای حکومت، ریشه‌ی اجتماعی یا ترس از مجازات‌های قانونی یا غیر قانونی دستگاه حکومت است، ولی در حکومت اسلام بیش از این که نوبت به این دو برسد، ایمان مذهبی و علاقه‌ی دینی و احترام معنوی و امید به ثواب یا ترس از عقاب اخروی، مردم را به رعایت قوانین و اطاعت فرمانهای حکومت وای می‌دارد. حکومت‌ها در نظر مردم از هواپرستی و زیر پا گذاشتن حقوق مردم در راه هوا و هوس خویش، یا مساحمه و سهل انگاری در حفظ حقوق آنها، معصوم و منزله باید باشند.



هدف حکومت‌ها باید در درجه اول پیشبرد دعوت الهی و دینی، و هر گونه فعالیت فردی یا اجتماعی تحت الشعاع این هدف مقدس باشد (بهشتی، ۱۳۶۷: ۸۰).

شهید بهشتی می‌گوید: «آن قدر که عمال و کارگزاران جامعه به فکر و عمل جامعه جهت می‌دهند، خطبا و داعیان جامعه نمی‌توانند آن اندازه به فکر و عمل جامعه جهت بدهند» (بهشتی، ۱۳۸۰: ۱۵۸).

آسیب‌های تربیت دینی در حوزه‌ی منابع و محتوا

۱- حذف عقل از منابع شناخت

فکر، تلاش و پویایی است که به هنگام مواجهه‌ی انسان با معماهای درونی جریان می‌گیرد پس با نظر به این گستردگی عرصه‌های فکر می‌توان گفت که آدمیان همه درگیر اندیشه ورزی هستند (باقری، ۱۳۶۸: ۳۹). گروهی از افراد معتقد بودند که عقل انسان قابلیت درک و فهم معارف دینی را ندارد و این آموزه‌ها تعبیدی هستند و هیچ پشتوانه عقلی ندارند ولی باید گفت ایمان هم دانسته و هم خواسته است حال برای ظهور ایمان و شناخت دین در کسی باید بینشهای مورد نظر را در وی فراهم آورد (باقری، ۱۳۶۸: ۹۲).

بحث و مجادله‌های فراوانی بین دو مکتب کلامی معتزله و اشاعره در گرفته است. نکته اساسی و تفاوت بین این دو فرقه در میزان اهمیت است که هر یک به استفاده از عقل و حجت می‌دهند. از نظر معتزله، توجیه اعتقاد اسلامی در گرو معقول بودن آن است، در حالی که در دیدگاه اشاعره طرز صحیح عمل منوط به واقعیتی است که از جانب خداوند به عنوان امر صحیح تلقی شده است، بنابراین همواره تمایلی وجود دارد بر این که معتزله را عقل‌گرا و اشاعره را سنت‌گرا نامند ولی با این حال اشاعره نیز به استفاده موشکافانه از عقلانی تمایل دارند، اما تنها در محدوده‌ای از دین که دارای حد و مرز عقلانی است. لیکن معتزله به گسترش جنبه‌ی عقلانی دین معتقدند، به نحوی که می‌توان با دلیل عینی و مستقل، عقلانی بودن دین را نشان داد مسلماً بحث و گفتگو در زمینه‌ی هدایت غیر مسلمان در صورتی اثر دارد که در این میان سطحی از عقلانیت فراسوی اختلافات مذهبی در کار باشد. اشاعره به استفاده از عقل اهمیت قائل بودند اما این امر باید در محدوده‌ی شرع باشد و هیچ گونه ارتباط علی و معلولی در طبیعت را مستقل از خواست خداوند نمی‌پذیرد (مشایخی راد، ۱۳۸۰: ۱۶).

شهید بهشتی (ره) می‌گوید: یکی از اهداف تربیت دینی، تربیت انسان عاشق عاقل است، نه عاشق بی عقل، انسانی که با مطالعه و تفکر در زمینه‌ها و مقتضیات و با درک درست از استعدادها و آمادگی خود، راه مناسب را انتخاب کند (بهشتی، ۱۳۸۰: ۴۹).

۲- انحراف مفاهیم دینی

برای فهم دقیق و عمیق از احکام الهی، یعنی تفقه، نیاز به اجتهاد است، تردید نیست که قدرت و توان استنباط و اجتهاد نیاز به مقدمات فراوان و آگاهی گسترده دارد. شهید بهشتی می‌گوید علاوه بر شرایط و مقدماتی که گذشتگان برای اجتهاد برشمرده‌اند، دو عنصر تفکر انقلابی و پویا داشتن را نیز در اجتهاد مطلوب متخصصان، برای فهم کتاب و سنت، دخیل می‌دانست و لازم می‌شمرد. شهید بهشتی در عین این که بر تخصصی بودن اجتهاد تأکید داشت و به صرف گردآوری برخی اطلاعات پراکنده و غیراصولی رسیدن به اجتهاد را غیر ممکن می‌شمرد، هر نوع برداشت متخصصانه‌ای را، از نظر اسلوب و روش، تأکید نمی‌کرد (آقاجانی، ۱۳۷۷: ۱۳۱).



شهید بهشتی در تحلیل بینش ها و برداشت های اسلامی، از دو جریان با عنوان «برداشت های انحرافی از اسلام» یاد کرده:

برداشت اول:

«بینش کسانی که اسیر ظاهر الفاظ کتاب و سنت اند و اندیشه شان از حد مفهوم ظواهر الفاظ فراتر نمی روند و متحجرانه فکر می کنند. بسیاری از این افراد واقعاً به اسلام عشق می ورزند و مقید بودنشان به ظواهر قرآن و حدیث از روی احساس تعهد دینی است، ولی عیب کارشان این است که برداشتی که از اسلام دارند هرگز نمی تواند پاسخگوی مسائل فرد و جامعه در طول قرن ها باشد. اینها در پاسخ بسیاری از مسائل در می مانند، چون ظاهر قرآن و حدیث برای دادن پاسخ به همه ی این سؤال ها هرگز کافی نیست» (آقاجانی، ۱۳۷۷: ۱۳۲).

برداشت دوم:

«برداشت کسانی که اندیشه های بیگانه از اسلام را قبلاً پذیرفته اند و با چنین زمینه ی ذهنی قبلی به سراغ کتاب و سنت آمده اند و کوشش کرده اند آیه ی قرآن و حدیث را آنطور بفهمند که دلشان می خواهد. آنها قرآن و حدیث را برآراء و اندیشه های بیگانه از اسلام، که قبلاً پذیرفته اند، تطبیق می کنند کسانی که نمی آیند تا رنگ قرآن و حدیث را بگیرند، قبلاً رنگ گرفته هستند، می آیند تا از قرآن و حدیث برای اسلامیت و حقانیت رنگ از پیش گرفته دلیل پیدا کنند» (آقاجانی، ۱۳۷۷: ۱۳۲).

آسیب های تربیت دینی در حوزه ی مربیان

ویلیامز در سال (۲۰۰۵) تحقیقی تحت عنوان اهداف یک آموزشگاه اسلامی و نقش معلم در آموزشگاه اسلامی انجام داده است و نتیجه گیری می کند که معلم دینی جهت تأثیرگذاری مثبت بر روی دانش آموزان باید از موضوع درسی شناخت کافی داشته باشد، توانایی درونی کردن ارزش ها و باورها را دارا بوده، همچنین از توانایی انتقال دادن دانش و آماده ساختن دانش آموزان برای همکاری و دادن اعتماد به نفس به آنان برخوردار باشد.

۱- عدم مطابقت قول و فعل

مربیان فکری فرهنگی باید سخن و عملشان با هم هماهنگ باشد تا مربی بتواند به آنها اعتماد کند و آنها را به عنوان الگوی خود قرار دهد در مقابل، عدم مطابقت قول و فعل باعث بی اعتمادی نسبت به مربی می شود و مربی در رسیدن به هدفش که آموزش تعلیم دینی است راه به جایی نمی برد (باقری، ۱۳۶۸: ۷۱).

متأسفانه این آسیب، همواره تربیت دینی را تهدید می کند و دنیا در پی یافتن راههای عملی برای بهتر زیستن و دور شدن از هر گونه سخنانی است که هیچ هماهنگی با عمل ندارد، است. وظیفه یک عالم دینی که در راه تزکیه و تعلیم مردم می کوشد این است که ابتدا خود را تزکیه کند و در مسیر تقوا بکوشد (بهشتی، ۱۳۸۳: ۳۱۲).

شهید بهشتی درباره دعوت اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر سخن گفته است از آن جمله گفتار مبسوطی است که ایشان در مورد اهمیت و اصالت دعوت عملی و تأثیر محدود دعوت به سخن مطرح می کند:

« من باید به صراحت عرض کنم که یکی از آفت های زندگی اجتماعی ما رواج دعوت زبانی و اخیراً قلمی و کساد بازار دعوت عملی است» (آقاجانی، ۱۳۷۷: ۱۰۴).

۲- غیر محوری به جای حق محوری



در مکتب اسلام پایه و اساس همه ی حقوق انسانی ارتباط به ذات حق است که در تقوا و معرفت شخص نهفته است و باطل در قطع ارتباط انسان با خداست. همه ی خیرات و برکات و انوار در حیات فردی و اجتماعی انسانها از احقاق حقوق سریان پیدا می کند که بنیان آن معرفت و محبت الهی و کمال ارتباط به ذات ربوبی است و نشانه ی حقانیت هر کسی اتصال با اوست: الْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۰).

با توجه به تأثیر مثبت و ذاتی حق در همه امور، فضای حاکم بر هر فعالیتی از آغاز تا انجام باید با محوریت حق باشد تا به نتیجه ی مطلوب و نهایی برسد و گرنه منجر به خوخواهی و خود پرستی می شود. آغشتگی و آمیختگی هر حرکتی با باطل، خودپرستی، شیطان گرایی، سودپرستی و من پرستی، آن را از ارزش می اندازد و سبب می شود، همچون کرمی از درون آن را فاسد کند و ضمن جلوگیری از به نتیجه رسیدن آن، نفعی به همراه نخواهد داشت (بهشتی، ۱۳۸۲: ۱۰۷).

۳- بی توجهی به تفاوت های فردی

آدمیان در این ویژگی هستند که هیچ یک چون دیگری نیست و هرکس در پایه و جایگاه معینی قرار گرفته است و از ویژگی های درونی و بیرونی خاصی برخوردار است و تواناییها و امکانات ویژه ای دارد (باقری، ۱۳۶۸: ۳۱).

«وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» حجر: ۲۱

«و هیچ چیز نیست مگر آنکه خزانه های آن در نزد ماست و آن را نازل نمی کنیم مگر با اندازه و مشخصات معین»

این آیه در رابطه با انسان، هم به تفاوت های نوعی و هم به تفاوت های فردی اشاره دارد، یعنی هم به آنچه که افراد بشری را از افراد سایر انواع (چون انواع حیوانات و گیاهان) ممتاز می کند و هم به آنچه که خود افراد بشری را از هم متمایز می سازد، تمایز و تفاوت های میان آدمیان، ناظر به وسع های مختلف آنان است (موسوی همدانی، ۱۳۸۲: ۱۰۷).

آدمیان با وسعها و طاقتهای مختلفی از حیث فهم و عمل به مفاهیم دینی، پای در عرصه ی زندگی دارند و باید رهبران فکری و فرهنگی در طراحی برنامه های درسی و آموزشی مفاهیم دینی این تفاوت ها را لحاظ کنند (مشایخی راد، ۱۳۸۰: ۲۰).

این روش بیانگر آن است که مربی در مواجهه با مربی، باید چیزی بگوید که در طاقت فهمی او باشد و چیزی بخواهد که در طاقت عملی او باشد. خداوند هم خود در وسع مخاطبین سخن گفته و تکلیف کرده است و از مردم همان قدر را «طلب کرده» که به آنان «داده» است. (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا) (طلاق: ۷) «خدا کسی را تکلیف نمی کند مگر به قدر آنچه به او داده است» (باقری، ۱۳۶۸: ۱۲۹).

در آیه ی دیگر از قرآن که خداوند می فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»: «خدا هیچ کسی را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او». شهید بهشتی می گوید: توقع این که میزان یا دادن مطالب در مدرسه به بچه ها در حد نصاب یا در حد کمال باشد، غلط است. چون همیشه در کلاس افراد زیر متوسط هم وجود دارند. کلاس، حداکثر می تواند در حد متوسط بچه ها برنامه ریزی کند (بهشتی، ۱۳۸۱: ۸۳).

۴- بی توجهی به تفاوت گروهی

مربیان فکری و فرهنگی در ارائه مفاهیم دینی به مربیان علاوه بر توجه به تفاوت های فردی چون با بیش از یک مربی روبرو هستند باید به تفاوت های گروهی افراد نیز توجه کنند و باید مطالبی را که عرضه می کنند برای سطح



عوام و خواص متفاوت باشد. نکته اساسی درباره ی تمایز قائل شدن در تعلیم و تربیت اسلامی این است که از هرگونه دخالت طبقات مختلف در دستیابی به معرفت اجتناب گردد، بدین لحاظ مؤمنان و معتقدان عامی که ایمان غیر عالمانه دارند می توانند از لحاظ اخلاقی شیوه ی زندگی متناسب با سطح ایمان خود را حفظ نمایند و هیچ مداخله ای در رفتار آنها لازم نیست. هرگز فلاسفه نباید در میان مردم اشکالات موجود را در توجیه معیارهای اخلاقی متخذ از خدا بیان کنند، زیرا مؤمنان عادی سرگردان شده و چه بسا از رفتارهای که با آن خو گرفته اند ناخرسند گردند. به طور مسلم، چنین اقدامی نمی تواند حرکتی صحیح تلقی شود البته این امر به معنای این نیست که ما تحت عنوان تفکیک انواع مختلف متربیان اجازه دهیم برخی در نادانی و بی خبری لذت بخش نسبت به حقیقت باقی بمانند. دسترسی به حقیقت برای همه ممکن است، اما افراد به شیوه های گوناگون به سوی تغییر دانش ترغیب می شوند (مشایخی راد، ۱۳۸۰: ۲۰).

شهید بهشتی در این باره می گوید: شیوه ی طرح مباحث نیز با توجه به نوع مخاطب باید متفاوت باشد، در سطح عموم باید به شکل القایی باشد نه تحلیلی و برعکس در سطح خواص، باید تحلیلی باشد نه القایی تا قابل پذیرش باشد (بهشتی، ۱۳۸۲: ۴۴).

۵- عدم درک و شناخت زمان

برای تعلیم و تربیت اسلامی، علاوه بر دانش کامل نسبت به قرآن کریم و امامان، شناخت کامل از مردم و زمانی که در آن زندگی می کنند نیز ضروری است. شرط استقبال از گفته ها و نوشته ها از سوی خواص آن است که متناسب با زمان باشد چرا که شناخت زمان تأثیر مستقیم در بلیغ بودن مربی دارد. شهید بهشتی می گوید:

«بلاغت مربوط به الفاظ نیست، بلکه به این است که مربیان در فرهنگ معنوی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی روز حضور داشته باشند. باید بدانند که امروز جوان ها چه کتاب هایی را می خوانند، چه سؤالاتی برایشان مطرح است» (بهشتی، ۱۳۸۳: ۳۰۳).

۶- بی توجهی به جاذبه داشتن

هر چه در آدمی، سرور برانگیزد و در وی رغبتی به جای گذارد حسن و زیبایی است، آنچه دارای حسن است، آدمی را می انگیزد و کششی در وی پدید می آورد که همان جاذبه داشتن است، از صفات برجسته مربیان جذاب بودن است هر چه این قدرت در مربیان فکری و فرهنگی زیاد باشد اثرگذاری آن بر متربیان بیشتر است (باقری، ۱۳۶۸: ۳۰).

امام صادق می فرمایند: «وَلَا تَخَاصَمُوا النَّاسَ لِدِينِكُمْ فَإِنَّ الْمُخَاصَمَةَ مَمْرُضَةُ الْقَلْبِ»

«برای دفاع از دینتان، با مردم نزاع و مشاجره لفظی نکنید زیرا این کار، دل را بیمار می سازد» (باقری، ۱۳۶۸: ۷۱).

در قرآن پیشنهاد شده است که به جای این گونه نزاع و مشاجره، جدال احسن صورت پذیرد.

شهید بهشتی می گوید: «روحانیون زبده در برخورد با کسانی که دچار انحراف شناختی درباره اسلام بودند، می کوشیدند این ها را در درجه اول جذب کنند ولی بعضی ها از همان اول دعوا می کردند بنابراین بیشتر دفع می کردند» (بهشتی، ۱۳۸۳: ۲۹۷).

۷- جدایی میان مربیان و متربیان



در اسلام توصیه زیاد به همرنگی میان مربیان و متربیان می شود و مربیان نباید خودشان را از افراد جدا ببینند و بر آنها حکومت کنند بلکه باید در خدمت به مردم و در راه گشایی از کار آنها باشند.

«عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» فرقان: ۶۳: «بندگان خدا کسانی هستند که بر زمین با تواضع گام می زنند»

امام صادق می فرماید: «أَطْلِبُوا الْعِلْمَ وَ تَزَيَّنُوا مَعَ الْحِلْمِ وَ الْوَقَارِ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعْلَمُونَهُ الْعِلْمَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ وَ لَا تَكُونُوا عِلْمًا جَبَّارِينَ فَيَذْهَبَ بَاطِلُكُمْ بِحَقِّكُمْ»

«در جستجوی علم باشید و به همراه آن، خود را به حلم و وقار بیارید و در برابر کسی که به او علم می آموزید و تواضع کنید و نسبت به کسی که از او علم می آموزید تواضع کنید و عالمانی ستم پیشه نباشید که در این صورت، این شیوه باطل شما سخن حقان را زایل خواهد کرد (باقری، ۱۳۶۸: ۷۳).

از جمله آسیب هایی که در میان مربیان فکری و فرهنگی در اجرای تعالیم دینی صورت می گیرد این است که آنها از هر گونه مسئولیت با تمسک به عناوینی همچون بندگان مقرب خدا سرباز می زنند و به هر نوع کار و کوششی تن نمی دهند و نماز خواندن و عبادت کردن را حرفه ی خود می دانند و برای تسلط بر مردم کسب تعالیم دینی را منحصر به خود می دانند (بهشتی، ۱۳۸۳: ۳۸۵).

از نظر شهید بهشتی: در اسلام روحانی و مردم مثل ماهی و آب هستند روحانی با مردم زنده است و بدون مردم و جدا از آنها نمی تواند رسالتش را ایفا کند (بهشتی، ۱۳۸۳: ۳۱۳).

آسیب های تربیت دینی در حوزه ی روشها

۱- تأکید بر دعوت زبانی به جای دعوت عملی

شهید بهشتی به تفصیل درباره ی دعوت اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر سخن می گویند، از آن جمله گفتار مبسوطی است که ایشان در مورد اهمیت و اصالت دعوت عملی و تأثیر محدود دعوت به سخن مطرح می کنند و می گویند «من باید با صراحت عرض کنم که یکی از آفت های زندگی اجتماعی ما رواج دعوت زبانی و اخیراً قلمی و کساد بازار دعوت عملی است» (مشایخی راد، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

ایشان به مربیان فکری و فرهنگی جامعه در تربیت انسان ها، توصیه می کنند که سعی کنید میزان بازار دعوت های زبانی و قلمی را کم کنید و شبکه ی تبلیغ و دعوت زبانی، به شبکه ی تبلیغ و دعوت عملی تبدیل شود (بهشتی، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

۲- آسیب های روش الگویی

اسوه عبارت از حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود، پیدا می کند و بر حسب اینکه پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه ای نیک یابد، در این روش مربی می کوشد نمونه ی رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید مربی قرار دهد و بدین گونه، موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه در خویش پدید آورد. این حالت مربی، اسوه نام دارد و در این صورت می توان گفت که در این عمل، اسوه ی خوبی برای فرد، وجود دارد.

مربی باید حالات مطلوب مربی را که عملاً در وجود کسی آشکار شده، به او نشان دهد البته نخست سزاوار است که در وجود خود مربی، اسوه نیکویی برای مربی باشد (باقری، ۱۳۶۸: ۱۰۵).



شهید بهشتی می گوید: « من مکرر و با صراحت این روشنایی را برای دوستان، همفکران و برادران و خواهرانی که می خواهند بینش صحیحی از اسلام و نظام اسلامی داشته باشند خواسته ام ایجاد کنم که بیایید همه ی شما همکاری کنید رابطه ی عالم دینی و مردم از رابطه ی منحرف، منحن و ذلت آور مرید و مرادی خارج شود و به رابطه ی عالم و متعلم تبدیل شود» (همان، ص ۱۰۶).

۳- بی توجهی به نقش آزادی و آگاهی

در آیات قرآن، جبر و قهر هیچ نیرویی نسبت به انسان مورد تأیید قرارنگرفته، بلکه صریحاً نفی شده است. همواره افرادی کوشیده اند با توسل به قدرت و نیرویی مافوق خواست خود، خویشان را معذور بدارند، اما قرآن در برابر همه ی آنان موضع می گیرد. گروهی به مشیت مطلقه ی خدا متوسل شده و گفتند « اگر خدا می خواست ما مشرک نمی شدیم» در پاسخ به اینان گفته شده است که هر چند اگر خدا می خواست می توانست طرحی در اندازد که هیچ انسانی به شرک نگراید، اما او چنین انسان دست بسته ای را نخواسته است و شرک، خود دلیل اختیار انسان است. خداوند علاوه بر این که مشیت خود را از این که به هدایت یا شرک انسانها تعلق بگیرد برکنار دانسته، سلطه ی نیروهای سماوی و ارضی را نیز از انسان منتفی معرفی می کند (باقری، ۱۳۶۸: ۱۴).

یکی از ویژگی های ایمان آن است که فعلی ارادی و اختیاری است. حصول ایمان چنین نیست که انسان، ناگهان ندانسته و نخواسته ایمان را در قلب خود بیابد. ایمان فعلی ارادی و اختیاری است و از این رو، هم دانسته و هم خواسته است. دلیل این سخن آن است که خداوند، مردم را به ایمان دعوت کرده است و دعوت و امر و نهی، همواره به امور ارادی و اختیاری تعلق می گیرد (همان، ص ۹۲).

شهید بهشتی می گوید: «جریان های سازنده باید طوری باشد که انسان ها را در خودش فرو برد، اما نه فروبردنی که خودآگاهی و انتخاب آزاد را از آنها سلب بکند و به شکل یک جبر اجتماعی در بیاید این نمی تواند دوام داشته باشد و اصولاً نمی تواند ما را به راه اسلام ببرد» (بهشتی، ۱۳۸۱: ۷۲).

۴- بهره نرفتن از تنبیه و تشویق

اصل تشویق و تنبیه با فطرت انسان مطابقت دارد، اسلام هماهنگ با ساختار وجودی انسان، فرایند هدایت و تربیت را از رغبت های درونی شروع می کند و با اجبارهای بیرونی همراه می نماید (بهشتی، ۱۳۷۹: ۸۸).

ذکر این نکته لازم است که الزام های درونی همیشه سایه و پس مانده ی الزام های بیرونی نیستند، بلکه این دو گونه الزام، تفاوت ماهوی با هم دارند و دیگر آنکه الزام های درونی و بیرونی گاه با هم قابل جمعند. چنین نیست که الزام های مؤثر بر فرد یا باید صرفاً درونی باشد و یا صرفاً بیرونی، بلکه هیچ اشکالی بر نمی خیزد که گاه فردی با الزامی بیرونی روبرو باشد و با توجه داشتن آن، خود را از درون ملزم به پیروی از آن بکند. در نگرش اسلامی، انسان با الزام ها و باید های بیرونی روبرو است. خداوند بایدهایی را فرا روی انسان نهاده است که تخطی از آنها مجازات در پی خواهد داشت، اما این بایدها در عین حال منطبق پذیر و قابل دفاع است و لذا در پیروی از آنها نیازی به اکراه و اجبار نیست:

« لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ » بقره: ۲۵۶.

« در امر دین هیچگونه اکراهی نیست، زیرا هدایت و گمراهی به وضوح از هم متمایز شده اند».



شهید بهشتی می گوید: «اگر ما بخواهیم در تربیت ها صرفا روی آن علاقه های خاص درونی، بدون هیچ گونه تشویق یا تهدید، یا تنبیه خارجی تکیه کنیم، گمان نمی کنم بتوانیم هیچ سیستم تربیتی را به ثمر برسانیم این دو عامل باید در کنار هم باشند» (بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۸۹).

۵- انحراف در اهداف تنبیه و تشویق

تشویق و تنبیه وسیله ای برای ایجاد انگیزه در مربی است و باید از این دو در امر تربیت دینی به نحوه درست بهره گرفته شود تا بدین وسیله از آسیب های آن در امان ماند و به اهداف تعلیم و تربیت نائل آمد. اصل فضل و رحمت مانع آن است که فرد، به محض ارتکاب اولین خطا مورد مؤاخذه و مجازات قرار بگیرد، بلکه به موجب آن لازم است که مربی، ابتدا به عفو کند و در این عفو نیز مبالغه ورزد. ابتدا کردن به عفو بدین معنی است که مربی خود اقدام به عفو کند، نه این که عفو او در برابر اعتذار مربی باشد (باقری، ۱۳۶۸: ۱۲۰).

طبق این روش، مربی موارد فراوانی از خطاها و لغزش های مربی را نادیده می گیرد:

«يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى» ابراهیم: ۱۰.

«خدا شما را به مغفرت و آمرزش از گناهان فرا می خواند و می خواهد از تعجیل در عقاب در گذرد و شما را به اجل معین (و عمر طبیعی) بمیراند».

شهید بهشتی می گوید: «اگر تشویق در خط گول زدن، فریفتن و طمع برانگیختن باشد، ضد آهنگ اسلامی است و اگر تنبیه در خط مرعوب کردن، انسان ها را خرد یا بزرگ کردن، از هویت و استقلال و شخصیت تهی کردن باشد، این هم راه اسلام نیست، تشویق و تنبیه باید باشد، ولی در حد متناسب با برانگیختن نیروها» (بهشتی، ۱۳۸۱: ۷۴-۷۳).

نتیجه گیری

آنچه که از این مقاله حاصل می شود این است که: "غرض از تربیت دینی مجموعه ای از اقدامات و تلاش ها در در زمینه سازی برای ایجاد دگرگونی در فکر و عمل است که منطبق با آن فکر و عمل و دارای جنبه های موضع گیرانه براساس آن باشد."

تربیت دینی از اهمیت وافری برخوردار است که این اهمیت در جامعه امروز به خاطر پرتگاه هایی که برای جوانان و نوجوانان وجود دارد، بیشتر احساس می شود. در راستای رسیدن به تربیت دینی، همان گونه که به برنامه ریزی نیاز است، شناخت موانع و آسیب ها نیز ضروری است. در این زمینه می توان از نظرات و دیدگاه های شهید بهشتی که خود در عرصه تعلیم و تربیت فعالیت داشته اند، به نحو مطلوب استفاده کرد. شهید بهشتی تعلیم و تربیت دینی را در یک الگوی ارتباطی قرار داده است. در یک سوی آن متولیان رسمی تعلیم و تربیت (فرستنده) قرار دارند که شامل والدین، معلمان و روحانیت هستند. این عناصر در فرایند تربیت دینی با ارائه محتوای مناسب (پیام)، درمربیان (گیرنده)، شناخت و نگرش ایجاد می کنند. باید گفت که پیام ها در این الگو باید متقن و با توجه به شرایط زمان و نیازهای مخاطبان باشد. عنصر دیگری که در الگوی مورد نظر شهید بهشتی اهمیت دارد، روش انتقال مفاهیم با ایجاد رفتارهای خاص از جمله در شکل گفتار و رفتار مخاطبان باشد.



شهید بهشتی (ره) براساس این الگو، نقش محیط، خانواده، دوستان و همسالان، مربیان و معلمان و روش انتقال را مهم می‌داند. آسیب‌ها و چالش‌ها و موانع تعلیم و تربیت دینی از دیدگاه شهید بهشتی (ره) به‌طور خلاصه در ابعاد زیر بیان می‌گردد:

- ۱- زمینه‌ها: آسیب‌هایی که در این حوزه وجود دارند، عبارتند از: بی‌توجهی به نیازهای جسمی، بی‌توجهی به نقش الگویی والدین، تضاد میان دو نسل، دوستان نامناسب، ناهماهنگی و تضاد میان اهداف و برنامه‌ریزی‌های محیط اجتماعی، رسانه‌ها و حکومت با برنامه‌ها و اهداف تعلیم و تربیت دینی.
- ۲- منابع و محتوا: آسیب‌هایی را که می‌توان در این حوزه نام برد از این قرارند: حذف عقل از منابع شناخت، محدود کردن منبع شناخت به قرآن کریم با شعار «حسبنا کتاب الله» و تفسیر به رای و تمسک به روایات مجعول وضعیف.
- ۳- اصول و روش: بی‌توجهی به دعوت عملی و تأکید بر دعوت زبانی و بی‌توجهی نسبت به نقش آزادی و آگاهی در میان اصول تربیتی از مهم‌ترین آسیب‌های این حوزه به شمار می‌آیند. می‌توان گفت که مریدپروری، بی‌توجهی به نقش الگویی الگوهای دینی و همچنین بی‌توجهی به اصل تشویق و تنبیه در رتبه‌های بعدی آسیب‌های این حوزه است.
- ۴- مربیان: مطابق نبودن قول و فعل، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی و گروهی، "غیرمحوری" به جای حق محوری، نشناختن زمان، بی‌بهره بودن از جاذبه و نقش الگویی مناسب نداشتن، از آسیب‌های موجود در این حوزه است. از دیدگاه شهید بهشتی (ره)، تطابق نداشتن قول و فعل بیشترین آسیب را در این حوزه در پی دارد. بی‌توجهی به آسیب‌های موجود در زمینه تعلیم و تربیت دینی، از تحقق تربیت دینی جلوگیری و ما را از هدف دور می‌کند، پس باید با آگاهی کامل و حساسیت لازم، آفات و آسیب‌ها را شناخت و در رفع آن همت گماشت.

منابع

- ۱- قرآن مجید، آیات و احادیث.
- ۲- آفاجانی، عباس (۱۳۷۷)، بررسی مبانی فکری شهید بهشتی، تهران: نشر بقیه.
- ۳- باقری، خسرو (۱۳۶۸)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، حق و تکلیف در اسلام، قم: مرکز نشر اسرا.
- ۵- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۱ الف)، آزادی، هرج و مرج، زورمداری، تهران: نشر بقیه.
- ۶- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۰ الف)، بایدها و نبایدها، تهران: نشر بقیه.
- ۷- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۷۹)، سرود یکتا پرستی، تهران: نشر بقیه.
- ۸- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۲)، عدالت و حق و باطل از دیدگاه قرآن، تهران: نشر بقیه.
- ۹- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۱ ب)، نقش آزادی در تربیت کودکان، تهران: نشر بقیه.
- ۱۰- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۳)، ولایت، رهبری، روحانیت، تهران: نشر بقیه.
- ۱۱- شکوهی یکتا، محسن (۱۳۷۳)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر ایران.
- ۱۲- قائمی، علی (۱۳۷۴)، نگرش و رفتار دینی در دانش آموزان، تهران: انتشارات امیری.
- ۱۳- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۴)، نکته‌های روانشناختی در تربیت دینی فرزندان، تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز.



۱۴- مشایخی راد، شهاب الدین (۱۳۸۰ ب)، مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی، قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

15-Donahue, m. (1995) Religion and the well-being of adolescents. Journal of socialissaes Vol 51, pp.: 145-160

16-Gilani, .Williams, F. (2005).the purpose of Islamic school and the role of an Islamic school teacher, vol.15, pp.: 103-106



سرویس های
وبژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله